

# بررسی تفسیر راهنما در سایه سار وحی

در ششمین نشست از مجموعه‌ی نشست‌های قرآن پژوهشی دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم، تفسیر راهنما، توسط دست‌اندرکاران این مجموعه معرفی شد و درباره‌ی روش‌های تحقیقاتی گروه‌ها و واحدهای گوناگونی که در تهیه‌ی تفسیر نقش داشته‌اند، توضیحاتی ارائه شد. در این نشست حجت‌الاسلام والمسلمین معادپنجاه (دبیر نشست)، حجت‌الاسلام والمسلمین طالبی و آقای مرادی حضور داشتند. مشروح مذاکرات این نشست به منظور اطلاع خوانندگان عزیز مجله در پی می‌آید.



معادینخواه: خدمت مهمانان عزیزی که در این نشست حضور دارند، تحیر مقدم می‌گویم و این ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن را به همگان تبریک عرض می‌کنم. تحقیقات نوینی در شهر قم از سال‌ها پیش شروع شده و نهادی به قرآن پژوهی اختصاص پیدا کرده است. موضوع این نشست، بررسی مجموعه‌ای به نام «تفسیر راهنما» است که نوع جدیدی از تفسیر قرآن کریم به شمار می‌رود. بعد از پیدایش جمهوری اسلامی ایران، کار این تفسیر شروع شده و دارای تاریخچه‌ای است. شاید در بین دوستانی که در این نشست حضور دارند، بنده این توفیق را داشته‌ام که از لحظه‌ی شروع کاری که به کارهایی از جمله تفسیر راهنما منتهی شد، حضور داشتم. سال ۱۳۵۶ در «زندان اوین»، پس از حدود دو سال که بسیاری از دوستان از جمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را ندیده بودم، در بند یک به هم رسیدیم و ایشان بعد از حدود بیش از دو سال، از کاری که داشتند، سراغ گرفتند. اگر بخواهیم این جزئیات را بگوییم، وقت جلسه گرفته می‌شود.

خلاصه‌ی مطلب این بود که زمانی تصمیم گرفته شد، برای «نهج البلاغه» به اصطلاح آن روز یک «الکاشف معنوی» تهیه شود. خود این اقدام و فلسفه و انگیزه‌های آن تاریخچه‌ای دارد. بخشی از آن را من عهده دار شدم و به «فرهنگ آفتاب» منتهی شد که یک معجم معنوی برای نهج البلاغه است. ایشان از آن کار پرسیدند که به کجا رسیده است. من توضیحاتی دادم و گفتم که الان کار به این شکل و سبک است و ایشان این روش را پسندیدند و گفتند که خوب است برای قرآن هم انجام شود و خود ایشان این کار را شروع کردند.

در آن زمان کاری که انجام می‌شد، در واقع نوعی نمایه‌سازی از مفاهیم قرآن کریم بود، که تاریخچه‌ی این کار یکی از بخش‌های خواندنی و شنیدنی کل تاریخ ما (تاریخ انقلاب اسلامی) است. بخش عمده‌ی وقت ایشان در زندان به قرآن اختصاص می‌یافت و خوشبختانه می‌شد منابعی مثل تفاسیر را به زندان آورد. در آن زمان حدود ۳۰ دفتر آماده شد که الان هم موجودند. کسانی که این دفترها را دارند، بین دفترهای اول تا چهارم با دفترهای بعدی تفاوتی می‌بینند. در دفترهای اول تا چهارم هر دو صفحه نوشته

دارند و از دفتر پنجم به بعد، فقط یک صفحه نوشته دارد که این نتیجه‌ی عدم توفیق و در واقع قطع همکاری بنده با ایشان به علت آزادی از زندان بود.

این شروع قضیه بود. در واقع هدف این بود که برای قرآن کریم معجم معنوی فراهم بشود، به طوری که اگر کسی بخواهد بداند درباره‌ی هر موضوعی در قرآن کریم چه آیاتی هست، باید طبقه‌بندی و موضوع‌بندی این مجموعه را در اختیار داشته باشد.

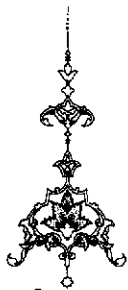
بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مؤسس و بانی اصلی کار، درگیر کارهای دیگری شد. مدت‌ها ضمن درگیری‌هایی که درباره‌ی انقلاب و مسائل جمهوری اسلامی بود، این دغدغه هم وجود داشت که سرنوشت کار به کجا می‌انجامد. نهادهای بسیاری داوطلب شدند، این کار را انجام دهند؛ از صدا و سیما گرفته تا حزب جمهوری اسلامی. در نهایت، قرعه‌ی فال به نام دفتر تبلیغات اسلامی قم افتاد و مسؤولان، دفترهای نیمه‌تمام را گرفتند و قرار شد کار را با تلاش فضلالی قم به سامان برسانند.

مسئولیت اولین گروهی که کار را شروع کردند، با حجت‌الاسلام ایازی بود. از این‌جا فعالیت با هدف تمام کردن کار نیمه‌تمامی شروع شد که باید به «معجم معنوی» قرآن کریم می‌انجامید.

اما داستان به گونه‌ی دیگری پیش رفت و از دل این کار، کارهای دیگری هم درآمدند که بحث امشب فقط به «تفسیر راهنما» اختصاص یافته است. در واقع این تفسیر، با آن کاری که گفتم به شکلی ارتباط پیدا می‌کند. آنچه که بسیار مهم است، نقش چشمگیر و اساسی این کار در نهادینه شدن قرآن پژوهی در حوزه‌ی علمیه قم بود که افتخار بزرگی است. ولی در هر صورت، تفسیر راهنمایی که امشب درباره‌ی آن بحث می‌شود، یک بخش از مجموعه کارهایی است که به معجم‌نویسی ارتباط پیدا می‌کند. از جناب آقای ایازی خواهش می‌کنم، داستان ادامه‌ی کار و به خصوص آنچه را که به تفسیر راهنما مربوط می‌شود، برای حضار بیان کنند.

**ایازی:** چون فرصت بسیار کم است، کم‌تر به تاریخچه‌ی تفسیر راهنما و بیش‌تر به جایگاه هدف‌ها و ویژگی‌های آن می‌پردازم. امید است، بقیه‌ی دوستان توضیح مرا کامل کنند.

دفترهای تفسیر راهنما در سال ۱۳۶۶ به من واگذار شدند. وقتی بررسی کردم، به آقای رفسنجانی پیشنهاد دادم، این کار به صورت یک کار گروهی و با استفاده از منابع گسترده‌ی تفسیری و روایی و لغوی ادامه پیدا کند. به همین دلیل، در سال ۱۳۶۶ گروه‌های تفسیری در قالب گروه‌های چهار و پنج نفری تشکیل شدند. هر دفتری و هر قسمتی از تفسیر را یک گروه انجام می‌داد، روی موضوع کار می‌کرد و آن را بسط و





یا قبض می داد. سپس به دست گروه دوم می افتاد و گروه دوم آن را بررسی می کرد. گروه دیگری نیز مطالب را ویرایش و برای مراحل بعدی آماده می کرد.

محصول این مجموعه کار، ۲۰ جلد تفسیر می شود که تا به حال ۱۹ جلد از آن به چاپ رسیده است. جلد بیستم نیز تمام شده، ولی هنوز در دست چاپ و انتشار است. وقتی برای تفسیر راهنما برنامه ریزی می کردیم، عقیده داشتیم که تفسیر راهنما صرفاً یک

تفسیر نیست، بلکه مجموعه کاری است که می تواند، در مجموعه ی پژوهش های قرآنی قرار گیرد و نخستین کارش این است که پیام ها و مدلول های قرآن استخراج و طبقه بندی بشوند. از کارهای دیگرش این است که یک کلید قرآن و فرهنگ موضوعی قرآن در کنار تهیه شود. کار سوم که می تواند انجام شود این است که یک بانک اطلاعات قرآنی از مجموعه ی تفسیرها و نمایه های موضوعی به دست بیاید و در مرحله ی چهارم، نگاه این بود که همه ی مجموعه، زمینه ای را برای تهیه ی یک تفسیر موضوعی فراهم کند.

در کاری که الان به نام تفسیر راهنما انجام شده است، کاری است که حداقل ۵۰ نفر نیروی محقق و زبده ی حوزه ی علمیه ی قم انجام داده اند. اگر این مجموعه را با کار اولیه ی آن مقایسه کنیم، شاید بتوان گفت، چهل درصد آن به دوره ی اول مربوط می شود و بقیه اش توسط محققان «مرکز فرهنگ و معارف قرآن» انجام گرفته است. علاوه بر این گروه، مجموعه ی دیگری هم برای نمایه سازی و اطلاعات را به صورت علمی و فنی سازماندهی کنند. گروه، این بود که نمایه سازی و اطلاعات را به صورت علمی و فنی سازماندهی کنند. بخش اطلاع رسانی در حوزه ی دین، کار جدیدی بود که در حوزه های علمیه انجام شد. در زمینه ی جایگاه تفسیر راهنما می توان گفت، به لحاظ طبقه بندی بین تفسیرهای دیگر، یک تفسیر عصری است؛ یعنی متعلق به زمان خود است. اگر آن را با تفسیرهای موجود، یعنی ده تا بیست تفسیر موجود چه فارسی و چه عربی که در این دو دهه ی اخیر در فرهنگ شیعه تولد یافته اند، مقایسه کنیم، یکی از تفسیرهای کارآمد قرآنی است که می تواند با مخاطبان خود به شکل طبقه بندی شده و با دسته بندی مطالب، ارتباط برقرار کند. این تفسیر هفت ویژگی دارد.

در مجموعه ی تفسیرهایی که تا کنون چاپ شده اند، شاید فقط دو تفسیر داشته باشیم که

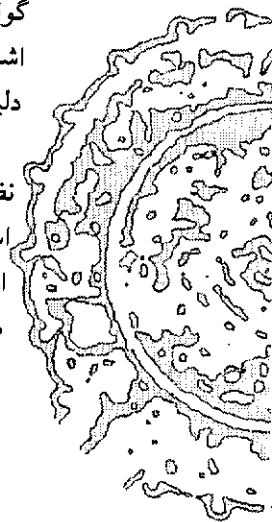
به صورت گروهی انجام شده است؛ یکی تفسیر نمونه است که حدود ۲۰ تا ۳۰ سال پیش بود و دیگری هم همین تفسیر راهنماست که از نظر استفاده از منابع و روزآمد کردن و دیگر خصوصیات، با سایر تفسیرها تفاوتی جدی دارد. پس امتیاز اول این تفسیر را می‌توان گروهی بودن آن دانست که مجموعه‌ی گروه‌ها، نظرات خود را بیان می‌کردند و نظر اکثریت مورد قبول قرار می‌گرفت و اعمال می‌شد.

آقای معادپنجاه گفتند که در زندان می‌توانستیم از منابع استفاده کنیم، اما به جرأت می‌توانم بگویم که حجم منابعی که محققان مرکز فرهنگ قرآن از منابع گوناگون در اختیار داشته‌اند، بی‌نظیر است و خود کتابخانه‌ی مرکز که یکی از بهترین کتابخانه‌های تخصصی جهان اسلام است، گویای این امر است. بنابراین، ویژگی دوم این تفسیر، بهره‌گیری از منابع فراوان است. ویژگی سوم این است که به لحاظ تقسیم‌بندی روشی، دارای دسته‌بندی‌های گوناگونی است. برخی تفسیرها، قرآن به قرآن و برخی قرآن به حدیث هستند. عقلی هستند. در مجموع شیوه‌های متفاوتی وجود دارد. تفسیر راهنما از همه‌ی شیوه‌های تفسیری استفاده کرده است. یعنی هم از قرآن به عنوان یک منبع، هم از حدیث و هم از روایات زیادی بهره برده است. البته هر روایتی پذیرفته نمی‌شد، مگر این که مورد پذیرش جمع قرار می‌گرفت. بنابراین، استفاده از حدیث یکی از نکات مثبت و مهم تفسیر است. بهره‌گرفتن از عقل و تجربه‌های تفسیری، یعنی استفاده از آرا و نظرات مفسران هم در این تفسیر مشهود است.

ویژگی چهارم، استفاده از مقایسه و تطبیق است؛ یعنی یکی از روش‌هایی که در دوران اخیر بر آن تأکید شده است. حضرت امام (ره) هم در تفسیر خود بر روش مقایسه و تطبیق تأکید کرده‌اند. شاید این تطبیق‌ها را در کلید واژه‌ها ببینیم. وقتی به مسائل زمان خود ارتباط پیدا می‌کنیم، این حوزه را کاملاً می‌فهمیم.

ویژگی پنجم تفسیر، نمایه‌سازی و بهره‌گیری از تقسیم مطالب و موضوعات قابل دسترسی است. وقتی به تفسیر نگاه می‌کنید، علاوه بر آن که فهرست موضوعات دارد، هر آیه، موضوعاتی که به آن آیه ارتباط دارند، دقیقاً مشخص شده‌اند. در تاریخ ایران و اسلام چنین نمایه‌ای نداریم. تا کنون شاید بیش از دویست سیصد تفسیر را مقایسه کرده باشیم. در جهان اسلام، هیچ تفسیری را نداریم که طبقه‌بندی موضوعی را به این شکل علمی انجام داده باشد. هشتمین ویژگی که می‌توانیم درباره‌ی این تفسیر ذکر کنیم، استفاده از روش‌های نشانه‌شناسی است که اصطلاحاً ما امروز، از آن‌ها به «سماتیک» تعبیر می‌کنیم؛ یعنی استفاده از دلالت‌های گوناگون و نشانه‌های ظاهری و غیرظاهری دلالت‌های مطابقی، تضمینی، التزامی و اقتضای اشاره و امثال این‌ها که شکلی بسیار گسترده دارد. اگر از یک آیه این قدر مطلب استفاده شده، به دلیل استفاده از قواعد عقلایی استفاده از متن است.

ویژگی هفتم این تفسیر، بهره‌گیری از اندیشه‌های اجتماعی است و هشتمین ویژگی که به نظر من خیلی اهمیت دارد این که با تمام دقت‌ها و ژرف‌نگری‌ها به زبان فارسی نوشته شده است و همه‌ی افراد فارسی‌زبان می‌توانند از آن در سطوح متفاوت استفاده کنند. کاری که بعد از دوره‌ی مسؤلیت من شده، این است که تفسیر با ترجمه‌ای از آیات همراه شده، و نیز این مجموعه برای فرهنگ موضوعی و تفسیر موضوعی قرآن آماده شده است که این هم از ویژگی‌های



تفسیر راهنما به شمار می‌رود. البته این‌ها همه مزایا و محاسن است و اگر فرصتی پیش

آمد، درباره‌ی موارد دیگر هم می‌توانیم صحبت کنیم.

**معادیه‌خواه:** من یک پراتنز باز کنم. به عقیده‌ی من، ترجمه‌ی: «بسم الله الرحمن الرحیم» در فارسی غلط رایج است. همه می‌گویند: «به نام خداوند بخشنده مهربان»

حداقل نقص این ترجمه آن است که «مهربان» و «بخشنده» هم خانواده نیستند، در حالی که «رحمان» و «رحیم» هم خانواده‌اند.

حداقل انتظار از یک ترجمه این است که برای دو واژه‌ی هم‌خانواده در عربی، دو واژه‌ی هم‌خانواده‌ی فارسی پیدا کنیم. بنده برای «رحمان»، «مهرگستر» را انتخاب کرده‌ام و فکر می‌کنم، قابل دفاع است. به هر حال، اگر بهتر از این شد که چه بهتر و گرنه، به دو واژه‌ی هم‌خانواده نیاز داریم.

من برای دوستانی که در این جلسه حضور دارند و شاید این سؤال برایشان پیش بیاید که اصلاً تفسیر راهنما چیست، به همین بسم الله الرحمن الرحیم اشاره می‌کنم. وقتی شما

می‌گویید «بسم الله الرحمن الرحیم»، همین «با» دارای پیامی است که آغاز حرکت با اسم «الله» است نه الله و از همین جا وارد صفات و اسما می‌شویم بعد می‌رسیم به جاذبه‌ی

رحمت قرآن، ادب قرآنی که هر کاری با بسم الله شروع می‌شود و رابطه‌ای که این جاذبه‌ی رحمت در حرکت می‌تواند داشته باشد. اگر درباره‌ی همین بسم الله و موضوع‌هایی که از آن استفاده می‌شود صحبت کنیم، به زمانی بیش از وقت جلسه نیاز داریم. همه‌ی این

پیام‌ها از تفسیر راهنما استخراج می‌شوند. از آقای طالبی می‌خواهیم که درباره‌ی روش و شیوه کار تفسیر راهنما توضیح دهند.

**طالبی:** حضرت علی (ع) می‌فرماید، قرآن یک لایه‌ی ظاهری دارد که بسیار زیباست.

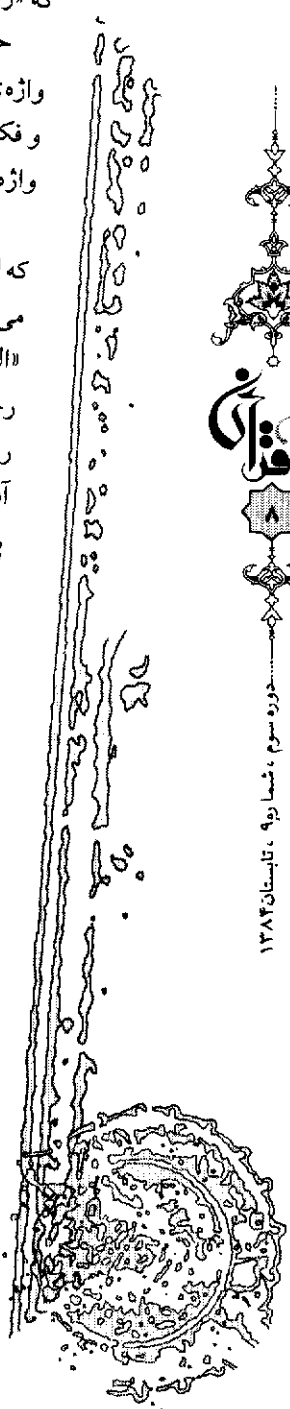
هر کس اندکی با زبان عرب آشنا باشد، قرآن را که باز می‌کند و آیات را می‌خواند، مجذوب زیبایی بیان و اسلوب قرآن می‌شود. ولی علاوه بر این ظاهر زیبا که قرآن واجد آن است،

قرآن لایه‌های زیرینی نیز دارد که برای درک آن‌ها باید دو توانایی داشته باشیم. یکی با زبان و ادبیات عرب آشنایی دقیق داشته باشیم، یعنی صرف و نحو، و معانی و بیان و بدیع را در حد بالایی بدانیم. علاوه بر این، پیش دانسته‌هایی باید داشته باشیم که به اشارات و مطالبی

که قرآن بر آن‌ها اشاره می‌کند، اما صریح بیان نمی‌کند، پی ببریم.

در تفسیر راهنما سعی شده است، در حد توان مطالبی را که در هر یک از آیات قرآن به صورت ظاهر و در لایه‌های زیرین وجود دارند، استخراج کنیم. باطن قرآن تمام شدنی نیست. باطن قرآن بسیار ژرف است و ما نمی‌توانیم به قعر آن برسیم، ولی در حد توان می‌توانیم حقایق را استخراج کنیم.

در تفسیر راهنما سعی شده است، ابتدا روی هر آیه متمرکز شویم و مهم‌ترین تفسیرهایی که از صدر تا زمان حاضر نوشته شده‌اند، به دقت بررسی کنیم. بعد یکایک موضوعاتی را که می‌توانیم از این آیه استخراج کنیم، به صورت یک فیش و یک گزاره‌ی بلند یا کوتاه به صورت شماره‌بندی فهرست کنیم. بعضی از این مطالب راحت و آسان هستند، ولی بسیاری از آن‌ها اگر توضیح نداشته باشند، خواننده نمی‌تواند پی ببرد که چرا این مطلب از





این آیه استخراج شده است. در تفسیر راهنما سعی شده است، مطالبی که به توضیح نیاز دارند، ذیل فیش‌ها به صورت روان و ساده توضیح داده شوند. بدین ترتیب، از اول تا آخر قرآن یک‌ایک آیات مورد بررسی دقیق قرار گرفته‌اند. افراد گروه در حد توان خود، هر موضوعی را که می‌توانستند، استخراج می‌کردند، اگر نیاز به توضیح بود ذیل آن می‌نوشتند و برای نمایه‌سازی و نمایه‌گذاری به گروه دیگر تحویل می‌دادند.

مرحله‌ی دوم کار تهیه‌ی فهرست تفسیر راهنما بود. این فهرست حدود دو جلد می‌شود و تمام موضوعاتی که در تفسیر راهنما به صورت پراکنده آمده‌اند، در آن‌جا جمع شده‌اند. در واقع، فهرست موضوعی کاملی، برای قرآن است. مثلاً اگر برای توضیحی به «المعجم المفهرس» مراجعه کنید، فقط پاسخگوی هر موضوعی است که کلمه‌ی مربوط به آن موضوع در قرآن آمده باشد. ولی بسیاری از آیات هستند که درباره‌ی آن موضوع بحث و حرف دارند، ولی کلمه‌ای از آن موضوع در آیه نیامده است. در تفسیر راهنما سعی شده است، موضوعاتی که عنوان آن‌ها نیامده‌اند، ولی در آیه مطرح هستند، استخراج شوند. در فهرست تفسیر راهنما که همان کلید قرآن است، شاید بیش از هزاران موضوع جمع‌آوری شده‌اند که به صورت گسترده توضیح داده شده‌اند.

یزدی: در پاسخ به سؤال آقای معادیخواه در مورد بسم الله الرحمن الرحیم باید بگویم، در تفسیر راهنما اصلاً بسم الله ترجمه نشده است و همان متن قرآن را نوشته‌اند. این کار برخاسته از شیوه‌ای است که دست‌اندرکاران تفسیر پیش گرفتند و به آن پایبند بودند. این که نکته‌های استفاده شده از بسم الله الرحمن الرحیم را استخراج و جدا جدا کنند و بعد برای هر کدام، بند و جمله‌ی مستقلی بنویسند؛ مثلاً بنویسند: خدای تعالی دارای رحمت گسترده بر همه‌ی

در تفسیر راهنما سعی  
 شده است، در حد توان مطالبی را  
 که در هر یک از آیات قرآن به صورت  
 ظاهر و در لابه های زیرین وجود دارند،  
 استخراج کنیم. باطن قرآن تمام شدنی  
 نیست. باطن قرآن بسیار ژرف است و ما  
 نمی توانیم به قرآن برسیم، ولی در حد  
 توان می توانیم حقایق را  
 استخراج کنیم



مخلوقات است، و بگویند که این مطلب از کلمه ی رحمان استفاده شده است. چرا؟  
 برای این که مشخص شود، از این آیه استفاده و به همین اکتفا شده است. آن کلمه ی  
 قرآنی هم زیر جمله ی فارسی نگاشته شده است تا هر خواننده ای که جمله ی فارسی را  
 می خواند، آن بخش از آیه را زیر آن ببیند و بداند از آن بخش آیه استفاده شده است.  
 امکان دارد، عده ای به راحتی بفهمند که چرا این معنی آمده و ممکن است عده ای نتوانند  
 کشف کنند. نویسندگان در این باره توضیح داده اند که رحمان صیغه ی مبالغه است و با  
 رحیم تفاوت دارد و این تفاوت، در گستردگی همه ی مخلوقات است یا در گستردگی  
 خود رحمت و عظمت خود رحمت است.

بعد که تفسیر راهنما کار خود را انجام داد، یعنی برداشت های متعدد از بسم الله  
 تمام شد، باز این نیاز پیش می آید که خواننده ی تفسیر برای به دست آوردن یک مفاد  
 اجمالی از این آیه، تمام برداشت ها را بخواند تا به معنی برسد و شاید به زحمت بیفتد.  
 برای حل مشکل، یک گروه دو نفری برای ترجمه ی جدید قرآن تشکیل شد. در این  
 گروه دو نفری، یکی می نوشت و دیگری نقد می کرد. با توجه به برداشت ها می توانستیم  
 همراه تفسیر، یک ترجمه ی چاپ شده را ملاک قرار بدهیم، اما فکر کردیم، ممکن  
 است خیلی از ترجمه ها با برداشت های تفسیر راهنما ناهماهنگ باشند و به خود اجازه  
 نمی دادیم که در آن ترجمه دخل و تصرف کنیم. بنابراین تصمیم بر آن شد، ترجمه ای  
 نوشته شود که با فیش ها و جمله های برداشت شده از آیه سازگار باشد.  
 مترجم و نقاد هم در ترجمه آزاد بودند و شاید با برداشت کنندگان مطالب هم هماهنگ  
 نبودند. آخرین تلاش این بود که ترجمه با مطالب زیر آیه تناقض، تنافی و برداشت  
 کاملاً رودررو نداشته باشد. اما این که در خود ترجمه، تمام برداشت ها منعکس شود،



مسلماً امکان پذیر نبود. در کلمات عربی آن قدر مطالب گنجانده می شود که اگر عرب در ذهنش از یک کلمه معنایی داشته باشد که یک فارسی زبان بخواهد کلمه ای از فارسی را جایگزین کند، نمی تواند با یک یا دو کلمه معنا را برساند، مگر این که با جمله مفاد آن را بیان کند. اگر تفاوت «حاق»، «رحمان» و «حاق»، «رحیم» را پیدا کنید، باید برداشت ها را بخوانید و آن جا منعکس شده که خود رحمان یا رحیم معنایشان چیست، یا رحمان با رحیم چه ارتباطی دارد و رحمان و رحیم چرا از بین بقیه ی اسما انتخاب شده و بعد از اسم الله آمده اند و اصلاً آغاز خود قرآن با بسم الله الرحمن الرحیم یعنی چه و یا آغاز کارهای دیگر با بسم الله الرحمن الرحیم یعنی چه.

این ها باید به صورت مطالب جدا مطرح شوند تا یک فارسی زبان بتواند، به معنی و فهم آن ها دسترسی پیدا کند. یا در ترجمه که مثلاً من «بخشاینده» را به «مهرگستر» تبدیل کنم و خاطر جمع باشد که رحمان را ترجمه کردم، شاید اصلاً «مهر» نتواند کلمه ی رحمت عربی را منعکس کند. مهر با رحمت عربی فرق دارد. رحمت کلمه ای است که در آن عطا کردن به دیگری هم معنی می دهد و نعمت هایی که از روی دلسوزی به دیگران می دهیم، از مصادیق رحمت است، اما کلمه ی مهر کوتاه است و این ها را نمی رساند. عده ای در مرکز فرهنگ معارف قرآن، برای رحیم، «مهرورز» را انتخاب کردند که این انتخاب های گوناگون فقط مربوط به یک مرکز هستند و همه به نتیجه ی واحدی نرسیدند تا یک معادل را انتخاب کنند.

در تفسیر راهنما، علاوه بر این که محققان بخش ترجمه، با محققان بخش تفسیر متفاوتند، محققان بخش تفسیر هم ۵۰ نفر بودند که در گروه های پنج نفری کار می کردند و گاه برداشت های هر گروه متفاوت بود. کار گروهی این فایده را دارد که یک گروه مطالبی را از این آیات و گروه دیگری مطالب مشابهی را از آیات دیگری استخراج می کنند و مراجعه کننده به هر دو دسترسی می یابد. البته عده ای این را جزو عیب های این تفسیر می دانند و توقع دارند که در آیات مشابه، تمام مطالبی که ذیل این آیه آمده اند، ذیل آن آیه هم بیایند. در حالی که ما خودمان به این نتیجه رسیدیم که اگر به آیات مشابهی - که به ظاهر مشابهند - دقت کنیم، می بینیم که مشابه نیستند. چون جایگاه این آیه در آیات قبل و بعد معنای جدیدی به آن داده و در نتیجه برداشت ها متفاوت است.

معادینخواه: به نظرم می آید که صحبت من درست فهمیده نشد. من به تفسیر راهنما نپرداختم، بلکه منظورم این بود که در ترجمه های موجود همه می گویند: «بخشاینده و مهربان». در مقایسه با بخشاینده ی مهربان، من مهرگستر مهربان را انتخاب می کنم. اگر به ترجمه پردازیم، مثلاً همین بسم الله را مورد بحث قرار دهیم، بحث گسترده و طولانی می شود و این سؤال پیش می آید که اصلاً آیا ما می توانیم در ادبیات فارسی ترجمه ای از قرآن داشته باشیم، یا نه؟ فعلاً ادعای بنده در مورد معنای مهرگستر مهربان این نقص را ندارد. من امیدوارم، از این نهاد پژوهشی قم کاری شروع و یک باشگاه گفتمان ترجمه تشکیل شود تا درباره ی ترجمه، همه ی نظرات را گردآوری کنند. ضمن آن که باید گفت، این جلسه ی نقد تفسیر راهنما نیست، بلکه معرفی تفسیر راهنماست.

ادامه دارد